**ايمان و عرفان و مقتضای آن**

**حضرت بهاءالله:**

1 – " إنّ أوّل ما كتب الله على العباد عرفان مشرق وحيه ومطلع أمره الّذي كان مقام نفسه في عالم الأمر والخلق من فاز به قد فاز بكلّ الخير والّذي منع إنّه من أهل الضّلال ولو يأتي بكلّ الأعمال إذا فزتم بهذا المقام الأسنى والأفق الأعلى ينبغي لكلّ نفس أن يتّبع ما أمر به من لدى المقصود لأنّهما معا لا يقبل أحدهما دون الآخر هذا ما حكم به مطلع الإلهام " (كتاب اقدس – بند 1)

2 – " طوبى لمن أقرّ بالله وآياته واعترف بأنّه لا يسئل عمّا يفعل هذه كلمة قد جعلها الله طراز العقآئد وأصلها وبها يقبل عمل العاملين اجعلوا هذه الكلمة نصب عيونكم لئلّا تزلّكم إشارات المعرضين لو يحلّ ما حرّم في أزل الآزال أو بالعكس ليس لأحد أن يعترض عليه والّذي توقّف في أقلّ من آن إنّه من المعتدين  والّذي ما فاز بهذا الأصل الأسنى والمقام الأعلى تحرّكه أرياح الشّبهات وتقلّبه مقالات المشركين  من فاز بهذا الأصل قد فاز بالاستقامة الكبرى حبّذا هذا المقام الأبهى الّذي بذكره زيّن كلّ لوح منيع  كذلك يعلّمكم الله ما يخلّصكم عن الرّيب والحيرة وينجّيكم في الدّنيا والآخرة إنّه هو الغفور الكريم " (كتاب اقدس – بند 161-163)

3 - " أَصْلُ کُلِّ الْعُلُومِ هُوَ عِرْفَانُ اللّهِ جَلّ جَلالُهُ وَهَذَا لَنْ يُحَقّقَ إِلَّا بِعِرْفَانِ مَظْهَرِ نَفْسِهِ " (لوح مبارک اصل کلّ الخير)

4 - " يا حزب اللّه اليوم بايد انظار کلّ بافق يَفْعَلُ مَا يَشاَءُ وحده متوجّه باشد چه اگر احدی باين مقام فائز گردد او بنور توحيد حقيقی فائز و منوّر و مِن دون آن در کتاب الهی از اصحاب ظُنون و اوهام مذکور و مرقوم ..." (ص ٢٥٥ ج ٤ امر و خلق)

5 - " شکّی نبوده و نيست که مقصود از آفرينش معرفت حقّ جلّ جلالُهُ بوده " (ص ٧٢ دريای دانش)

6 - " سبب اعظم آفرينش عرفان اللّه بوده ٠٠٠ " (ص ١٩٣ ج ٥ آثار قلم اعلی)

7 - " تجلّی اوّل که از آفتاب حقيقت اشراق نمود معرفت حقّ جلّ جلالُهُ بوده و معرفت سلطان قِدم حاصل نشود مگر بمعرفت اسم اعظم اوست مکلّم طور که بر عرش ظهور ساکن و مستوی است و اوست غيب مکنون و سرّ مخزون کُتُب قبل و بعد الهی بذکرش مزيّن و بثنايش ناطق ... ايمان باللّه و عرفان او تمام نشود مگر بتصديق آنچه از او ظاهر شده و همچنين عمل بآنچه امر فرموده " (لوح مبارک تجلّيات ص ٢٧ مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی)

8 - مقصود از آفرينش عرفان حقّ و لقای او بوده و خواهد بود چنانچه در جميع کتب الهيّه و صحف متقنه ربّانيّه مِن غير حجاب اين مطلب احلی و مقصد اعلی مذکور و واضح است " (ص ١٣٩ دريای دانش)

9 - " دين نوريست مبين و حصنی است متين از برای حفظ و آسايش اهل عالَم چه که خشية‌اللّه ناس را بمعروف امر و از منکر نهی نمايد اگر سراج دين مستور ماند هرج و مرج راه يابد نيّر عدل و انصاف و آفتاب اَمن و اطمينان از نور باز مانند "

(در اشراق اوّل از لوح مبارک اشراقات - ص ٧٣ مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی)

10 - " جميع عالم برای عرفان جمال قدم از عدم بوجود آمده اند و باين يوم مبارک در کتب و زُبُر و صحف وعده داده شده اند" (ص ٢٥٣اشراقات)

11 - " جميع عالَم از برای عرفان اين امر اعظمخ‌لق شده اند ولکن جزای اعمال کل را منع نمود و محروم ساخت مگر نفوسيکه يد قدرت ايشان را اخذ نمود و از ظلمت نفس و هوی نجات بخشيد اگر بجميع اعضاء و جوارح و عروق و شعرات اِلَی الْيَومِ الّذِي لاَ آخِرَ لَهُ حقّ جلّ جَلالُه را ستايش نمائی و حمد کنی هر آينه نزد اين فضل اعظم معدوم صِرف است "

(ص ١١٣ج ٥ آثار قلم اعلی)

12 - " امروز عرفان هر نفس بايد بدرجه بلوغ فائز شود و خود را غنی و مستغنی از اهل عالَم مشاهده نمايد "

(ص ١٩٦ مجموعه اشراقات)



**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " بدانکه اين اعمال و رفتار و گفتار ممدوحست و مقبول و شرفِ عالَم انسانيست ولی مجرّد اين اعمال کفايت ننمايد زيرا جسديست در نهايت لطافت ولی بيروح . بلکه سبب حيات ابديّه و عزّت سرمديّه و نورانيّت کليّه و فوز و فلاح حقيقی اوّل عرفان الهی است و اين معلومست که معرفت حقّ مقدّم برهر عرفانيست و اين اعظم منقبت عالَم انسانيست زيرا در وجود معرفت حقائق اشياء فوائد جسمانی بخشد و مدنيّت صوری ترقّی نمايد امّا عرفان الهی سبب ترقّی و انجذاب روحانی و بصيرت حقيقی و علويّت عالم انسانی و مدنيّت ربّانی و تعديل اخلاق و نورانيّت وجدان گردد " .

(حضرت عبدالبهاء در اوّل قطعه آخر مفاوضات مبارکه)

****